

حزب ملت ایران از نهضت ملی نفت تا دفاع مقدس (۱۳۶۰-۱۳۳۰ش)

محمدحسن پور قنبر^۱

روح الله مهدی زاده^۲

چکیده

این مقاله، ابتدا به چگونگی شکل‌گیری و فعالیت‌های طرفداران پان‌ایرانیسم تا زمان انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد، که اندکی بعد از حضور رسمی در فعالیت‌های سیاسی، به دوگروه تقسیم شد. حزب پان‌ایرانیست به رهبری محسن پزیشکیور و حزب ملت ایران بر بنیاد پان‌ایرانیسم که داریوش فروهر در راس آن قرار داشت. در مرحله‌ی بعد رویکرد دو شاخه منتسب به پان‌ایرانیسم را در مورد انقلاب اسلامی تشریح می‌نماید. ویژگی مهم این مقاله این است که وضعیت حزب پان‌ایرانیست را در سال‌های نخست بعد از انقلاب و واکنش نسبت به اقدامات دولت و مواضع آن در قبال جنگ را در بر می‌گیرد که تاکنون کمتر به این مقوله پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: پان‌ایرانیسم، حزب ملت ایران، داریوش فروهر، انقلاب اسلامی، جنگ ایران - عراق.

The Iran's Mellat(Nation) party from Oil nationalization movement to the sacred defense (1320-1360)

Mohammad H. PourGhanbar³

Ruhollah Mehdi Zadeh⁴

Abstract

This article firstly deals with the emergence and the activities of the pro-pan Iranism before the Islamic Revolution of Iran, which shortly after their official involvement in the political activities dissected into two parties, one led by Mohsen Pezeshkpur under the title of the Pan-Iranist Party, and the other one Iran Nation Party headed by Dariush Foruhar. Then the attitude of the two parties with regard to the Revolution is analyzed. The significance of this article lies in its analysis of the condition of Pan-Iranism Party in the first years of the Revolution victory, and its reaction to the government's actions and its stance regarding the war, which has been underestimated in other researches.

Keywords: Pan-Iranism, Iran Nation Party, the Islamic Revolution, Iran-Iraq War, Dariush Foruhar.

^۱ دانشجوی دکترای تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی.

^۲ کارشناس ارشد تاریخ انقلاب، پژوهشکده انقلاب اسلامی

^۳ Ph.D. Student of the History of Islamic Iran, Shahid Beheshti University

E- Mail: M.pourghanbar8@gmail.com

^۴ MA in History from the Institute of Islamic Revolution

E- Mail: RO.Mehdzadeh30@yahoo.com

مقدمه

پان‌ایرانیسم هسته مرکزی و متشکل یک نهضت اجتماعی و به عبارتی دیگر یک رستاخیز ملی به شمار می‌رفت. وجه مشترک پیروان این رستاخیز، شناسایی اصول ناسیونالیسم و تاکید بر آن بود و حزب از تشکل معتقدان به ناسیونالیسم ایران زمین تشکیل می‌شد.^۱ با اشغال ایران توسط نیروهای دول متفق در شهریور ۱۳۲۰ش، حس وطن‌دوستی بسیاری از ایرانیان، آنان را به واکنش وا داشت. از جمله این افراد، برخی از نوجوانان و جوانانی بودند که با تشکیل باشگاه ایران‌دوستی، فعالیت‌های خود را در این زمینه آغاز نمودند. اعضای اولیه این باشگاه که دانش‌آموزانی همانند پرویز صفیاری، فرمانفرمایان، پورهاشمی و پزشکپور را شامل می‌شد، به تدریج فعالیت خود را گسترش داده و مخالفت خود را علیه تفکرات ضد ایرانی قرار دادند (اگرچه نسبت به دین اسلام نیز کاملاً بی‌توجه نبودند)، تا آن‌که از دیدگاه تشکیلاتی و فکری در سال ۱۳۲۶ش دارای انسجام و هماهنگی بیشتری گردیدند.^۲ با این‌حال، آنان تا سال ۱۳۲۹ش، تمرکز اصلی خود را بر روی مسائل نظری قرار داده و سعی در ایجاد چارچوبی مشخص برای سازماندهی افکار و اعتقادات خود بودند. اما با شکل‌گیری نهضت ملی و تحركات ویژه ناشی از آن در فضای سیاسی ایران، پان‌ایرانیست‌ها به‌طور جدی وارد عرصه سیاست شدند^۳ و تقریباً در همان برهه زمانی، اولین انشعاب در میان پان‌ایرانیست‌ها روی داد و آن هم جدایی برخی از اعضای این گروه و تشکیل حزب سومکا از سوی آنان بود. مدتی بعد، دومین و مهمترین انشعاب در میان آنان روی داد و آن هم انشعاب داریوش فروهر و هم‌فکرانش از حزب پان‌ایرانیست و تشکیل حزب جدیدی به نام «حزب ملت ایران بر بنیاد پان‌ایرانیسم» در اواسط سال ۱۳۳۰ بود، و از این زمان، دو شاخه مجزای طیف پان‌ایرانیسم، با خط مشی کاملاً متفاوت نمودار شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ علی‌اکبر رزمجو، حزب پان‌ایرانیست، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۸۰. همچنین برای اطلاعات بیشتر در مورد دیدگاه‌ها و عقاید پان‌ایرانیست‌ها، نک: رزمجو: ص ۱۰۷-۱۱۸ / حزب ملت ایران، ص ۵۹-۶۵، تیمسار، کتاب ملت، ملیت، میهن / طالع، ص ۶۵-۴۰.

^۲ نک: رزمجو، ص ۳۴-۳۶ / هوشنگ طالع، تاریخچه مکتب پان‌ایرانیسم، لنگرود: سمرقند، ۱۳۸۱، ص ۱۹-۲۰ / شهلا بختیاری، حزب پان‌ایرانیست به روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۳۲-۳۷ / مظفر شاهدهی، حزب پان‌ایرانیست، تهران: مؤسس مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۱۱-۳۱.

^۳ رزمجو، ص ۳۷، طالع، ص ۳۸-۴۰.

از نهضت ملی نفت تا انقلاب اسلامی

دلیل اصلی بروز مهم‌ترین انفکاک در میان پان‌ایرانیست‌ها، نبرد قدرت میان محمدرضا پهلوی و محمدمصدق بود. در سال ۱۳۳۰-۱۳۳۲ش، پزشک‌پور و اکثریت سران پان‌ایرانیست، معتقد به حمایت از شاه ایران، و فروهر و هم‌فکرانش درصدد حمایت از نخست‌وزیر برآمده^۱ و به‌این ترتیب، حزب ملت ایران، فعالیت‌های خود را در قالب جبهه ملی آغاز نمود^۲ و همان‌گونه که همتایان سلطنت طلب آنان در حزب، مقابله با حزب کمونیستی را از برنامه‌های اصلی خود قرار داده بودند،^۳ در راستای مشی وطن‌گرایانه خود، شدیداً علیه حزب توده (که مخالف ملی‌گرایی بود) فعالیت نمود.^۴ بعد از کودتای ۲۸ مرداد، حزب پان‌ایرانیست به‌عنوان یکی از احزاب قانونی در درون ساختار رژیم پهلوی به فعالیت خود ادامه داد و رابطه نزدیکی با محمدرضا پهلوی برقرار نمود، چنان‌که انقلاب سفید شاه و ملت را مورد تایید قرار داد و حتی مخالفان اصول شش‌گانه آن را، «مرتجعین سیاه و عناصر نابکار بیگانه» نامید.^۵ یکی از نکات قوت این گروه در دهه پایانی رژیم پهلوی، ایفای نقشی نسبتاً تاثیرگذار در روند مجلس بیست و دوم شورای ملی (۱۳۴۹-۱۳۵۳) بود؛ البته در همان مقطع زمانی، سومین انشعاب در پان‌ایرانیسم روی داد و آن هم، زمانی بود که فضل‌الله صدر، برخلاف دیگر اعضای کلیدی حزب پان‌ایرانیست، با لایحه دولت هویدا، مبنی بر جدایی بحرین از ایران در مجلس موافقت نمود. به‌دنبال این موضوع، حزب ایرانیان توسط صدر و همفکرانش تاسیس گردید.

در اواخر سال ۱۳۵۴، بنابر خواسته محمدرضا پهلوی، همه احزاب سیاسی حامی شاه ایران، با یکدیگر ادغام شده و حزب رستاخیز را تشکیل دادند؛ از این رو، سران حزب پان‌ایرانیست نیز در کنار احزابی مانند مردم و ایرانیان و سایر، انحلال حزب خود را اعلام کرده و به رستاخیز ملحق شدند.^۶ این وضعیت تا اواسط سال ۱۳۵۶ ادامه داشت تا آن‌که در این زمان، پزشک‌پور، جدایی از حزب

^۱ رزمجو، ص ۸۷-۸۶ / خسرو سیف، «درباره زنده یاران پروانه و داریوش فروهر»، ماهنامه ایران مهر، شماره‌های ۱۸-۱۹، آبان و آذر ۱۳۸۴، ص ۹۰ / طالع، ص ۳۹ و ۷۱ / غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، تهران: رسا، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۵۳-۱۵۴ / شاهدی، ص ۳۲-۳۶.

^۲ کوروش زعیم، جبهه ملی ایران (از پیدایش تا کودتا)، تهران: انتشارات ایران مهر، ۱۳۷۹، ص ۲۹۷-۲۷۴ / پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، مترجمان: گل محمدی و فتاحی، تهران: نشرنی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۹-۳۲۱.

^۳ نک: شاهدی، ص ۴۱-۵۱.

^۴ نک: محمود مقدسی، مسعود دهشور، ناگفته‌ها، تهران: رسا، ۱۳۷۰، ص ۱۴۴.

^۵ شاهدی، ص ۴۸-۹۱ / رزمجو، ص ۳۸-۴۰.

^۶ نک: شاهدی، ص ۲۰۴-۴۵۶ / رزمجو، ص ۴۱-۵۱ / بختیاری، ص ۶۶-۷۳.

رستاخیز و برپایی دوباره حزب پان‌ایرانیست را اعلام نمود. از همین مقطع زمانی، جوّ سیاسی کشور، به ضرر رژیم پهلوی در حال تغییر بود و رهبر حزب که نماینده مجلس بود، اقدام به انتقاد علیه وضعیت موجود نمود و البته، نوک پیکان حملات خود را، نه به سمت شاه، بلکه به سوی دولت‌مردان گرفت و آنان را مسبب نابه‌سامانی کشور دانست. حزب پان‌ایرانیست، در ماه‌های منتهی به انقلاب، فعالیت‌های خود را افزایش داد و تاکید زیادی بر اجرای قانون اساسی سلطنت مشروطه از سوی دولت‌مردان وقت ایران داشت. نکته جالب این‌که، بعد از ورود امام خمینی به ایران، سران این گروه سیاسی، به ملاقات وی رفته و به تبادل نظر پرداختند.^۱

در طرف مقابل، حزب ملت ایران بر بنیاد پان‌ایرانیسم به رهبری داریوش فروهر، بعد از کودتای ۲۸ مرداد، همانند دیگر مخالفان رژیم پهلوی، رو به انزوا رفت تا آن‌که با برپایی جبهه ملی دوم در اواخر دهه ۱۳۳۰، به عنوان یکی از اجزای آن، فعالیت سیاسی خود را از سر گرفت، اما با فشار شدیدی که از سوی حکومت وقت بر جبهه وارد شد، حزب ملت ایران نیز مانند دیگر گروه‌های ملی‌گرا، به حاشیه رانده شد^۲ و سران آن، به خصوص فروهر، بارها روانه زندان شدند که یکی از موارد آن، صدور اعلامیه‌ی تندى علیه حکومت، به دلیل فروش بحرین و جدایی آن از ایران در سال ۱۳۴۹ بود.^۳ با تحرك دوباره مخالفان حکومت، در نتیجه کاهش استبداد سیاسی از سوی رژیم پهلوی، حزب ملت ایران به رهبری فروهر نیز در قالب جبهه ملی چهارم، وارد صحنه مبارزات سیاسی شد و در یکسال منتهی به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، در جریانات سیاسی منجر به انقلاب، موثر بود و همگام با دیگر انقلابیون، در راستای سقوط رژیم پهلوی گام برداشت.^۴

سال‌های نخستین انقلاب

با پیروزی انقلابیون در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، رژیم سلطنتی پهلوی سقوط نمود و ایران وارد مرحله جدیدی از تاریخ خود شد. محسن پزشکیان که در ماه‌های منتهی به انقلاب، سعی نمود، تا اندازه‌ای با مخالفان رژیم پهلوی، همسو گردد، بعد از بهمن ۱۳۵۷ و در یک چرخش سیاسی محسوس، طی

^۱ نک: اسناد لانه جاسوسی، کتاب نهم و دهم، ج ۹، تهران: مؤسس مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۵ و ۳۴۸ / طالع، ص ۵۷-۵۵ / شاهدی، ص ۴۶۴-۵۰۷ / رزمجو، ص ۵۲-۵۶ / بختیاری، ص ۷۳-۷۶.

^۲ نک: نجاتی، ج ۱، ص ۲۱۱ / عبدالحسین آذرنگ، «جبهه ملی ایران»، دو ماهنامه بخارا، شماره ۴۴، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵-۱۷۰.

^۳ سیف، ص ۹۰.

^۴ نک: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، *انقلاب ایران به روایت رادیو بی‌بی‌سی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۵۰۱-۵۰۳ / آذرنگ، ص ۱۷۲-۱۷۴ / اسناد لانه جاسوسی، ج ۹، ص ۴۹۷ و ۵۰۷ و ۶۵۹.

مصاحبه‌ای که در اواخر اسفند همان سال با خبرگزاری پارس در مورد رفراندوم تغییر نام حکومت انجام داد، اظهار نمود که او و اعضای حزبش، به نظام جمهوری اسلامی رای موافق خواهند داد.^۱ رهبر حزب پان‌ایرانیست، رسماً از همه اعضای حزبش خواست تا در رفراندوم مورد نظر، به نظام جمهوری اسلامی رای «آری» دهند، چرا که آن را یک وظیفه ملی عنوان نمود.^۲ این در حالی بود که در حدود یک ماه بعد از این واقعه، نفر دوم حزب پان‌ایرانیست (عاملی تهرانی)، که برخلاف رهبر این حزب، با کابینه‌های یک‌سال پایانی دوره حکومت پهلوی، رابطه نزدیکی داشت و حتی به‌عنوان وزیر، فعالیت نمود، در اواسط بهار ۱۳۵۸ توسط برخی انقلابیون اعدام شد.^۳

حزب پان‌ایرانیسم که در پی کسب جایگاهی در نظام سیاسی جدید بود، هنگامی که با موانع جدی روبرو شد، مواضع واقعی خود را نمایان نمود؛ چنان‌که به‌دنبال تدارک انتخابات مجلس خبرگان به‌منظور تدوین قانون اساسی، حزب مذکور، شدیداً علیه آن واکنش نشان داد و طی نامه‌ای سرگشاده به نخست‌وزیر وقت ایران در اوایل مرداد ۱۳۵۸، خواستار ممانعت از انجام انتخابات شد و آن را تحریم نمود.^۴ پزشکیپور، درصدد نامزدی برای انتخابات مجلس اول شورای اسلامی (اواخر سال ۱۳۵۸ ش) برآمد، ولی به‌دلیل رابطه نزدیک با رژیم سیاسی پیشین، و حضور در مجلس شورای ملی دوره پهلوی، با ممانعت طیفی از انقلابیون روبرو شد، که همین مسئله نیز موجب صدور اعلامیه‌ای از سوی حزب متبوع او، علیه حاکمان وقت ایران گردید.^۵ همه این وقایع سبب گردید تا حزب پان‌ایرانیست، از هر راهی برای مقابله با حزب حاکم استفاده نماید. به طوری که در چالش میان رئیس‌جمهور و حزب جمهوری اسلامی در مورد انتخاب نخست‌وزیر، سعی نمود خود را به بنی‌صدر نزدیک نماید^۶ اما در نهایت، درصدد به‌کارگیری قوه قهریه برآمد؛ به طوری که، پزشکیپور و یارانش، در جریان کودتای نوژه (تیر ۱۳۵۹) قرار داشته و حتی درصدد آن بودند که بلافاصله بعد از موفقیت در این واقعه، نیروهایشان را به نفع کودتاگران وارد صحنه کنند.^۷ تقریباً اندکی بعد از آن یعنی در اواخر تیر ۱۳۵۹ ش، حزب پان‌ایرانیست، خود درصدد کودتایی دیگر با

^۱ شاهی، ص ۵۰۸.

^۲ اسناد لانه جاسوسی، ج ۱۰، ص ۲۲۷.

^۳ شاهی، ص ۵۱۰-۵۱۱ / بختیاری، ص ۵۰.

^۴ همان، ص ۵۱۵.

^۵ همان، ص ۵۱۲-۵۱۴.

^۶ همان، ص ۵۱۵.

^۷ همان، ص ۵۱۵-۵۱۷.

همکاری برخی از سران ارتشی بازنشسته، علیه حاکمیت وقت ایران برآمد، که این اقدام آنها به مرحله عمل نرسید و خنثی گردید.^۱ همین واقعه منجر به فرار پزشکپور و برخی دیگر از سران پان‌ایرانیست، به خارج از کشور (حدود دو ماه قبل از شروع جنگ ایران و عراق) شد^۲ و تعدادی دیگر از اعضای این حزب نیز، دستگیر شدند.^۳ پزشکپور که به دلیل توطئه علیه حکومت وقت ایران، مجبور به ترک وطن و اقامت در فرانسه شده بود، فعالیت‌های سیاسی خود را در خارج از مرزهای ایران نیز با انتشار اعلامیه ادامه داد.

روند سیاسی طیف دیگر پان‌ایرانیسم، یعنی حزب ملت ایران در مقطع زمانی موردنظر (انقلاب تا شروع جنگ)، اگرچه تا حدود زیادی در کلیات با همتایان سلطنت طلب آن‌ها، شباهت داشت ولی در جزئیات متفاوت بود. اعضای حزب ملت ایران، به‌خصوص رهبر آن‌ها (داریوش فروهر) که فعالیت سیاسی خود را همچنان در قالب جبهه ملی ادامه می‌دادند، به ایفای نقشی نسبتاً برجسته در ساختار سیاسی جدید پرداختند. فروهر، علاوه بر این که یکی از سه رهبر اصلی و سخنگوی جبهه ملی در این زمان بود، با تشکیل دولت موقت به نخست‌وزیری مهدی بازرگان، به‌عنوان وزیر کار و امور اجتماعی در کابینه منصوب گردید و حتی، نقش مهمی در حل چالش مناطق غربی و گروه‌های ناراضی ایران، ایفا نمود.^۴ او همچنین در فرآیند تغییر نام حکومت، از آن دفاع نمود و جمهوری اسلامی را پاسخگوی نیازهای اجتماعی و تاریخی ایرانیان خواند.^۵ همچنین در شورایی که برای تدوین پیش‌نویس قانون اساسی حکومت جمهوری اسلامی تشکیل شد، شرکت داشت، اگرچه این پیش‌نویس به فرآیند گذاشته نشد و مجلس خبرگان، برای نگارش قانون اساسی تشکیل شد.^۶

^۱ غانله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹، ظهور و سقوط ضد انقلاب، تهران: دادگستری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۲۳۷ / شاهدی، ص ۵۱۸.

^۲ طالع، ص ۷۱-۷۲ / شاهدی، ص ۵۱۸-۵۱۹.

^۳ دادگستری، ص ۲۳۷.

^۴ نک: نهضت آزادی ایران، شورای انقلاب و دولت موقت، بی جا: نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲، ص ۳۵-۳۶ / مسعود بهنود، ۲۷۵ روز بازرگان، تهران: نشر علم، ۱۳۸۷، ص ۲۳۸ و صفحات دیگر / اسناد لانه جاسوسی، ج ۱۰، ص ۱۳۷ و ۷۱ / یحیی فوزی، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی ایران، ج ۱، تهران: نشر عروج، ۱۳۸۷، ص ۴۶۸-۴۷۲ / عباس بشیری، کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی (۱۳۵۷-۵۸)، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸، ص ۳۶۵ / محمد درودیان، اجتناب ناپذیری جنگ، تهران: مرکز مطالعات سپاه، ۱۳۸۲، ص ۲۱۰.

^۵ بهنود، ص ۴۷۳.

^۶ نک: محمد وحید، مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران، تهران: نشر عروج، ۱۳۸۴، ص ۳۸۵-۳۹۲.

داریوش فروهر، که با توجه با گرایش لیبرالیستی خود، اعتقادی به اقدامات رادیکال نداشت، در برابر این گونه فعالیت‌ها از سوی یکی از روحانیون انقلابی به نام خلخالی و جریان همسو با او، به شدت با واکنش مواجه شد،^۱ و بدین ترتیب اولین اختلاف نظر او با طیف اسلام‌گرا در اواسط بهار ۱۳۵۸ پدیدار گردید، اما این اختلاف، نه با شاخه اصلی و بانفوذ اسلام‌گرایان، بلکه با طیف رادیکال آن بود. در اواخر خرداد ۱۳۵۸، فروهر به دلیل اختلافات با برخی سران جبهه ملی، جدایی خود را از این گروه و تشکیل دوباره حزب ملت ایران (در کنار افرادی همچون پروانه فروهر، خسرو سیف، برومند، گل‌سرخ، صحت و نمازی) به طور رسمی اعلام نمود^۲ و در پی این اقدام، قسمت نسبتاً مهمی از جبهه ملی که طرفدار او بودند، به همین کار مبادرت ورزیدند.^۳ گویا، یکی از دلایل این اقدام فروهر، ناشی از دیدگاه ملایم‌تر او نسبت به دیگر سران جبهه ملی در مورد طیف اسلام‌گرا، در آن مقطع زمانی بود.^۴

حزب ملت ایران در انتخابات مجلس خبرگان در اواسط تابستان ۱۳۵۸، حمایت خود را نسبت به تعداد معدودی از کاندیداها اعلام نمود، که در میان آنان نیز چهره چندان مشهوری دیده نمی‌شد^۵ و در نتیجه آن، به استثنای خسرو قشقایی (کاندیدای همه گروه‌های ملی‌گرا)، هیچ‌کدام به مجلس راه نیافتند^۶ که این مسئله، رنجش فروهر را به همراه داشت.^۷ در تغییر و تحولاتی که از سوی نخست وزیر در کابینه و در شهریور ۱۳۵۸ش اتفاق افتاد، فروهر از وزارت کار به وزیر مشاور منصوب گردید.^۸ او در مهر همان سال و طی یک سخنرانی، عراق را به دلیل توطئه در امور ایران (ایجاد ناامنی‌های کردستان و خوزستان) مورد حمله لفظی قرار داد.^۹ استعفای بازرگان از نخست‌وزیری و فروپاشی کابینه دولت موقت در میانه آبان ۱۳۵۸، هنگامی روی داد که فروهر به منظور حل مسئله کردستان، در آن منطقه به سر می‌برد،^{۱۰} او فعالیت خود را به عنوان وزیر، در کابینه شورای انقلاب نیز

^۱ نک: اسناد لانه جاسوسی، ج ۱۰، ص ۴۱۷.

^۲ روزنامه اطلاعات، ش ۱۵۸۸۲ (۲۸ خرداد ۱۳۵۸) ص ۷ و ۲ // اسناد لانه جاسوسی، ج ۱۰، ص ۴۸۲ / بهنود، ص ۵۸۰ و ۵۸۵.

^۳ نک: بهنود، ص ۵۸۶ / وحید، ص ۲۷۷.

^۴ نک: بهنود، ص ۵۸۱ و ۵۹۳ و ۷۸۰ / دادگستری جمهوری اسلامی ایران، ص ۶۹.

^۵ نک: وحید، ص ۲۸۳ / بهنود، ص ۶۳۶.

^۶ وحید، ص ۳۱۲.

^۷ نک: وحید، ۳۰۳ / عباس شادلو، انقلاب اسلامی از پیروزی تا تحکیم، تهران: شادلو، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵.

^۸ اسناد لانه جاسوسی، ج ۱۰، ص ۶۸۰.

^۹ بهنود، ص ۷۶۱.

^{۱۰} همان، ص ۸۰۴.

ادامه داد و این روند تقریباً چهار ماه ادامه یافت، تا آن‌که با جدی‌تر شدن اختلافات، و ناراضیتی او از شرایطی که حزب حاکم در ساختار قدرت جدید به وجود آورده بود،^۱ در اسفند ۵۹ کناره‌گیری نمود.

رهبان حزب ملت ایران، در اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری در بهمن ۱۳۵۸، خود را به‌عنوان کاندیدا معرفی نمود و در بین نه کاندیدای حاضر در رقابت انتخاباتی، با کمتر از یک درصد آراء، در ردیف چهارم قرار گرفت.^۲ این حزب به همراه سازمان مجاهدین خلق، قبل از معرفی نامزدهای خود، خود، در اقدامی، طی پیام‌هایی جداگانه، خواستار پذیرش مقام ریاست جمهوری از سوی امام خمینی شدند. این اقدام را از دو دیدگاه می‌توان تفسیر نمود: اول آن‌که، این دو گروه به دلیل عدم اعتقاد به مقام ولایت فقیه، با این پیشنهاد درصدد تنزیل جایگاه امام خمینی از ولی فقیه به مقام ریاست جمهوری بودند. دوم آن‌که، به عدم موفقیت کاندیداهای حزبی خود تقریباً اطمینان داشته و بدین ترتیب می‌خواستند از موفقیت نامزدهای احزاب دیگر جلوگیری کنند.^۳ حزب ملت ایران که در دو رقابت انتخاباتی مهم (خبرگان و ریاست جمهوری) برای کسب قدرت در ساختار سیاسی جدید، ناموفق بود، تلاش فراوانی نمود تا در سومین مبارزه سیاسی (انتخابات مجلس شورای اسلامی)، به اهداف خود نایل گردد، ولی در این مبارزه نیز شکست خورد^۴ و بدین ترتیب بود که از اوایل سال ۱۳۵۹، به تدریج از طیف اسلام‌گرا فاصله گرفت. چنان‌که در اولین موضع‌گیری صریح در این زمینه، حزب حاکم را به تقلب در انتخابات متهم نموده و از رئیس‌جمهور خواست تا از اختیارات خود استفاده نماید و ابطال انتخابات مذکور را اعلام کند.^۵ با این حال، حمایت مجدد خود را از برپایی حکومت جمهوری اسلامی در ایران اظهار نمود و همچنین در واکنش به اظهارات رسمی دولت‌مردان امریکا، مبنی بر قطع رابطه با ایران در فروردین ۱۳۵۹، فروهر، در دفاع از واقعه تسخیر سفارت امریکا، اظهارات سردمداران امریکا را بی‌اهمیت دانست و از قطع رابطه طرفین، استقبال کرد.^۶ این حزب، همچنین پنج ماه قبل از تهاجم عراق، در فروردین ۱۳۵۹، تحرکات اخلاص‌گراانه عراق در مناطق

^۱ نک: سعید پورداراب، تقویم تاریخ دفاع مقدس، ج ۸، تهران: اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۴ / کریم راهور، احزاب، تشکل‌ها و تشکل‌ها و جناح‌های سیاسی ایران امروز، تهران: انتشارات سیاست، ۱۳۸۲، ص ۳۱-۳۸.

^۲ نک: محمدجواد مظفر، اولین رئیس‌جمهور، تهران: انتشارات کوپر، ۱۳۷۸، ص ۱۶ / فوزی، ج ۱، ص ۳۰۵ / بشیری، ۴۲۸ / شادلو، انقلاب اسلامی از پیروزی تا تحکیم، ص ۱۶۱.

^۳ شادلو، انقلاب اسلامی از پیروزی تا تحکیم، ص ۱۴۳-۱۴۴.

^۴ همان، ص ۱۹۲-۱۹۳.

^۵ آرمان ملت، ش ۱، ص ۵.

^۶ هادی نخعی، روزشمار جنگ ایران و عراق، ج ۷، تهران: مرکز مطالعات سپاه، ۱۳۸۵، ص ۶۴۰ و ۶۴۸ / شادلو، انقلاب اسلامی از پیروزی تا تحکیم، ص ۲۰۳-۲۰۴.

غربی ایران را محکوم نمود^۱ و در ارگان خود آورد: «ملت ایران، گستاخی های دولت بعثی عراق را نخواهد بخشید.»^۲ همچنین در شماره‌های دیگر، رهبر حزب، رژیم عراق را به دلیل ایجاد فتنه در کردستان، خرابکاری در لوله‌های نفت و گاز خوزستان، بیرون راندن هزاران ایرانی به‌طور غیرانسانی از خاک عراق و همچنین ادعاهای نادرست در مورد جزایر سه‌گانه ایران در خلیج فارس، مورد نکوهش قرار داد.^۳ این حزب، در همین شماره از آرمان ملت، تبعیض و رفتار غیرانسانی حکومت بعثی عراق نسبت به کردها و شیعیان این کشور نوشت و ادامه داد: «رهائی عراق، رسالت انقلاب اسلامی ایران است. حکومت نژادگرایی بعث را سرنگون باید کرد.»^۴

از آن‌جا که داریوش فروهر در یک‌سال بعد از وقوع انقلاب، به‌طور مستقیم و مستمر، در جریانات مربوط به حوادث کردستان فعالیت نمود، و از این طریق، زمینه‌آشنایی او با کردهای آن منطقه فراهم شده بود و از سوی دیگر، حزب او، تبعیض رژیم بعث را نسبت به کردها (و شیعیان) عراق شدیداً محکوم می‌نمود، بنابراین، می‌توان این عوامل را موجب برقراری رابطه نزدیک میان حزب ملت ایران با حزب دموکرات کردستان عراق، در این مقطع زمانی دانست،^۵ تا آن‌جا که این حزب، در در زمینه تدارک تجهیزات نظامی برای کردهای عراق (علیه رژیم بعث) نیز ایفای نقش نمود^۶ که البته این موضوع، برای برخی از گروه‌های سیاسی گرد داخل ایران، خوشایند نبود و حتی این اقدامات را «خیانت به ملت ایران» عنوان کردند.^۷

در حادثه طبس (اوایل اردیبهشت ۱۳۵۹)، داریوش فروهر و یارانش با صدور اعلامیه‌ای، ضمن محکوم نمودن این اقدام از سوی آمریکا، به حاکمان وقت ایران، اکیدا توصیه نمود که هوشیار باشند و گر نه «ملت ایران غافلگیری مجدد را به دست اندرکاران نخواهد بخشید.»^۸ ارتش در این مقطع زمانی حساس که احتمال درگیری با عراق، روز به روز افزوده می‌شد، به یک تنش جدی میان دو طیف ملی‌گرا و اسلام‌گرا تبدیل شد، به‌طوری‌که در چهار ماه مانده به شروع جنگ، حزب ملت ایران

^۱ نخعی، ج ۷، ص ۵۹۳.

^۲ آرمان ملت، ش ۲، ص ۱.

^۳ همان، ش ۳، ص ۸۷.

^۴ همان، ش ۳، ص ۳.

^۵ نک: نخعی، ج ۷، ص ۱۲۵۳.

^۶ عبدالله جاسبی، روزشمار تفصیلی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، تهران: دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب، ۱۳۸۷، ص ۲۰۹.

^۷ نک: همان، ص ۲۰۹ و ۳۴۵.

^۸ آرمان ملت، ش ۶، ص ۷۱.

در واکنش به اظهارات وزیر دفاع وقت ایران (مصطفی چمران)، مبنی بر اینکه ساختار کنونی ارتش ایران، همانند دوره رژیم طاغوتی است و باید اصلاحاتی در آن صورت گیرد، شدیداً از او انتقاد نمود و تصفیه سران ارتشی را منجر به تضعیف این نهاد دفاعی، و در نتیجه به ضرر ایران عنوان نمود.^۱ ارتش از دیدگاه پان ایرانیسم، مقام بسیار والایی داشت: «ارتش - سازمان پاسداری از میهن، سازمانی که باید مورد پرستش همه مردم باشد.»^۲

تقریباً در همین دوره زمانی بود که چالش شدیدی میان رئیس‌جمهور وقت ایران با حزب جمهوری اسلامی (که اکثریت قاطع نمایندگان مجلس اول را در اختیار داشت) برای انتخاب نخست وزیر، در جریان بود و گویا زمره‌هایی مبنی بر تمایل بنی‌صدر برای انتخاب نخست‌وزیری از طیف لیبرال‌ها از جمله داریوش فروهر بر سر زبان‌ها افتاد، که این امر برای طیف اسلام‌گرایان، چندان خوشایند نبود، تا آن‌جا که حتی سومین گروه سیاسی مهم (بعد از حزب جمهوری اسلامی و روحانیت مبارز) از طیف اسلام‌گرا یعنی مجاهدین انقلاب، به نمایندگان مجلس هشدار دادند اجازه نخست‌وزیری به چنین اشخاصی را ندهند.^۳ در همان مقطع زمانی (اواسط مرداد ۵۹ش)، فروهر در دیداری با امام خمینی به بحث و تبادل نظر پرداخت.^۴ این حزب، در این چالش میان بنی‌صدر و مجلس، به حمایت از رئیس‌جمهور موضع‌گیری نمود: «مجلس شورای ملی باید دست رئیس‌جمهور را باز بگذارد.»^۵ اختلافات حزب ملت ایران با حزب حاکم که از خرداد ۵۸ آغاز شد، به تدریج بیشتر شد و در شهریور همین سال، کاملاً علنی گردید و انتقادات صریح و شدید این گروه را در زمینه‌های مختلف، علیه حاکمیت وقت به همراه داشت.^۶ چنان‌که یکی از موضوعات مورد توجه مسئولان این حزب، تاکید بر توجه همزمان به وطن و مذهب بود؛ به طوری که در یکی از شماره‌های ارگان خود با این عبارت: «ایرانیان با همه وجود اسلام را پذیرفته‌اند و ایرانیّت و اسلامیت از یکدیگر جدا نخواهد شد»، مخالفت حاکمیت وقت با ملی‌گرایی را مورد نکوهش قرار داد.^۷ علی‌رغم این، هنوز در برخی مسائل، وجه اشتراک کاملی با طیف اسلام‌گرا داشت، که یکی از موارد مهم آن، حمایت از فلسطین

^۱ (آرمان ملت، ش ۸، ص ۸)

^۲ حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم، پان ایرانیسم چه می‌گوید؟ بی جا: انتشارات حزب ملت ایران، بی تا، ص ۱۸.

^۳ نک: جاسبی، ج ۲، ص ۳۶۸.

^۴ جاسبی، ج ۲، ص ۲۶۱.

^۵ آرمان ملت، ش ۱۰، ص ۱ و ۴.

^۶ نک: همان، شماره‌های ۱۲-۲۴.

^۷ همان، ش ۱۶، ص ۱ و ۵.

و مخالفت شدید با اسرائیل بود: «اسرائیل تجاوزگر، این پایگاه امپریالیسم، نابود باید گردد. صهیونیسم از ابتدای پیدایش بر ضد منافع ملی ایرانیان بوده است. انقلاب اسلامی ملت ایران هیچ اندیشه نژادگرایی را تحمل نخواهد کرد.»^۱

دوران جنگ ایران - عراق

در آخرین روز تابستان ۱۳۵۹، رهبر حزب بعث عراق (صدام حسین)، دستور حمله به ایران را صادر نمود. پزشکپور، که در زمان حمله عراق به ایران در فرانسه اقامت داشت، در اسفند ۱۳۵۹، طی نامه‌ای به رئیس جمهور ایالات متحده (ریگان)، رویکرد منفی خود را نسبت به حکومت جمهوری اسلامی، آشکار و ضمن ابراز علاقه به رژیم پیشین، آمریکا را مسبب اصلی سقوط شاه عنوان نمود.^۲ با آزادی خرمشهر در خرداد ۱۳۶۱ توسط نیروهای ایرانی، طی بیانیه‌ای، حاکمان وقت ایران را متهم نمود که از روی عمد، پیروزی سربازان ایران را در خرمشهر تا نابودی رژیم بعث عراق، ادامه نداده و با این تصمیم خود، موجب نجات صدام شدند: «... انتظار منطقی و عادلانه ملت ایران این بود که جنگ تحمیلی وارد مرحله قطعی گردد و به نتیجه برسد...» و در ادامه، بازم بر سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی تاکید نمود.^۳ این رویکرد شدیداً ضدحکومتی پزشکپور، به تدریج در نتیجه تداوم حکومت وقت ایران و یاس او از سقوط حکومت مذکور، تلطیف گردید؛ چنان که در سال‌های آخر جنگ، از انتقادات شدید علیه سردمداران حکومت ایران کاست^۴ و حتی در نامه‌ای به رئیس وقت سازمان ملل متحد در اوایل مرداد ۱۳۶۶ش، (تقریباً همسو با وزارت امور خارجه ایران) به متن و محتوای قطعنامه پیشنهادی این سازمان در مورد جنگ مذکور، و نحوه تصویب آن در شورای امنیت سازمان ملل اعتراض نمود و آن را به ضرر ایران دانست.^۵ او همچنین، بمباران شیمیایی حلبچه توسط عراق را که در اوایل اردیبهشت ۱۳۶۷ اتفاق افتاد، محکوم نمود.^۶

در داخل مرزهای ایران، هم‌تایان ضد سلطنت حزب پان ایرانیست یعنی حزب ملت ایران، با شروع جنگ ایران و عراق، با انتشار اعلامیه‌ای، تجاوز نظامی همسایه غربی ایران را شدیداً محکوم نمودند:

^۱ آرمان ملت، ش ۱۹، ص ۱ و ۴-۵.

^۲ شاهدی، ص ۵۲۰-۵۲۱.

^۳ نک: همان، ص ۵۲۰-۵۲۱.

^۴ همان، ص ۵۲۳.

^۵ همان، ص ۵۲۳.

^۶ نک: شاهدی، ص ۵۲۳-۵۲۴.

«از آغاز اوجگیری پیکارهای رهایی بخش ایران، دولت نژادگرای بعثی عراق، این دشمن تاریخی میهن ما، همچون غلام زرخرید امپریالیست‌های جهان‌خوار به‌ویژه امریکای جنایتکار در خط دشمن و سرکوب انقلاب اسلامی ملت ایران قرار گرفت.»^۱ سران این حزب، نه تنها دفاع از وطن، بلکه حتی سرنگونی رژیم بعث را مطرح و تاکید کردند: «نه تنها ارتش مزدور عراق را گوشمالی شایسته خواهیم داد، بلکه تعیین مرز طبیعی و تاریخی ایران را به شیعیان مجاور و برادران کُرد واگذار خواهیم کرد.»^۲ سران حزب، تعدادی از اعضا و طرفداران داوطلب حزب خود را برای دفاع از وطن، با بدرقه شخص داریوش فروهر، روانه جنگ با عراق نمودند.^۳ این اقدام، در پی همکاری نزدیک آنان با حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری کُردهای بارزانی انجام گردید^۴ و گفته می‌شود، اولین سازمان سیاسی بود که توانست افراد خود را پیش از همه، به خاک عراق روانه نماید، چرا که با همکاری کُردهای عراقی، درصدد نبرد چریکی با نیروهای رژیم بعث در مناطق شمال شرق عراق برآمده بودند و در این زمینه، با موافقت مقامات حکومتی ایران، تجهیزات نظامی مورد نیاز را از ارتش ایران دریافت می‌کردند.^۵ روزنامه نیویورک تایمز، ده روز پس از شروع جنگ، به بررسی جنگ‌های چریکی کُردهای عراق در شمال این کشور پرداخت و اشاره کرد چریک‌های کُرد از زمان شروع جنگ، ضربات نسبتاً سختی به نیروهای عراقی در مناطق جنگی وارد نمودند.^۶ این در حالی بود که بنابر گزارش نیویورک تایمز در دوم مهر همان سال، رادیو تهران از همه ایرانیان، حتی مخالفین حاکمیت وقت خواست «با اتحاد و همدلی علیه رژیم کافر صدام سنی، جبهه‌ای واحد تشکیل دهند.»^۷

تکاپوهای حزب ملت ایران به همراه دیگر گروه‌های ملی‌گرا، در کنار طیف اسلام‌گرایان و مردم ایران، برای دفاع از وطن در مقابل دشمن بیگانه، در این مقطع زمانی حساس موجب کاهش قابل توجه اختلافات داخلی ایران (البته در دو ماه نخستین جنگ) گردید،^۸ تا آن‌جا که یکی از مقامات

^۱ آرمان ملت، ش ۳۰، ص ۴.

^۲ همان، ش ۲۵، ص ۱ و ۳.

^۳ علی لطف‌الله زادگان، روزشما جنگ ایران و عراق، ج ۱۱، تهران: مرکز مطالعات سپاه، ۱۳۸۷، ص ۴۸.

^۴ آرمان ملت، ش ۲۸، ص ۱ و ۵.

^۵ ایران مهر، شماره‌های ۱۸-۱۹، ص ۹۰.

^۶ پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، ج ۲، تهران: شکیب، ۱۳۸۸، ص ۳۹۴.

^۷ همان، ج ۱، ص ۴۱۸-۴۱۹.

^۸ نک: همان، ج ۳، ص ۴۲-۴۵.

ایرانی در مصاحبه با روزنامه وال استریت ژورنال (۱۴ مهر ۵۹)، این طور اظهار نماید: «روحیه‌ها عالی است و تهران هم چون دو ماه پس از انقلاب به نظر می‌رسد.»^۱ حزب ملت ایران در ارگان خود، در مطلبی با عنوان «چشمه عشق هرگز نخواهد خشکید، زمان آنست که زن و مرد به خیل جنگاوران بپیوندند»، همه مردم ایران را به دفاع از وطن دعوت کرد.^۲ در اواخر مهر ۱۳۵۹، نخست وزیر وقت ایران (محمدعلی رجایی)، عازم نیویورک، به منظور حضور در اجلاس سازمان ملل متحد شد، حزب ملت ایران، واکنش منفی نشان داد و معتقد بود، در حالی که شورای امنیت سازمان ملل، تحت نفوذ دول امپریالیست قرار دارد و حتی کوچک‌ترین اشاره‌ای به تجاوز نظامی عراق علیه ایران ننموده و درصد محکومیت این کشور متجاوز برنیامد، ایران به عنوان اعتراض، نمی‌بایست در این اجلاس شرکت نماید.^۳

با شروع اخباری مبنی بر توافق ایران و آمریکا برای آزادی گروگان‌های امریکایی در دست ایران، با واکنش منفی حزب ملت ایران روبرو شد و سران این گروه سیاسی، خواستار محاکمه دیپلمات‌های امریکایی در ایران شدند.^۴ این در صورتی بود که عراق نیز، رسماً به مذاکرات آمریکا با ایران واکنش نشان داد و به نوعی، آنان را در صورت کمک به ایران در جنگ، تهدید نمود.^۵ در اوایل آبان ۵۹، دومین گروه از اعضا و منتسبان به حزب ملت ایران، با بدرقه شخص فروهر، روانه جبهه‌های جنگ شدند. مقرر بود آنان با همکاری حزب دموکرات کردستان عراق، از شمال غرب ایران وارد خاک دشمن شده و بدین صورت، با همکاری دموکرات‌های کُرد، به فعالیت‌های چریکی علیه عراقی‌ها مبادرت ورزند.^۶ این حزب باز هم، در روزهای شروع جنگ، به موضوع ارتش پرداخت و تاکید نمود ارتش را به عنوان یک نهاد ملی، تقویت نمایند و از حاکمیت وقت ایران خواست روند تضعیف این سازمان را متوقف نمایند.^۷ همچنین در اظهار نظری دیگر، به گروه‌های سیاسی مخالف در داخل ایران، پیشنهاد کرد به خاطر حفظ وحدت ملی در برابر عراق، روحیه تسامح در پیش گیرند: «فراموش

^۱ همان، ج ۳، ص ۱۵۱.

^۲ آرمان ملت، ش ۲۶، ص ۱ و ۶.

^۳ همان، ش ۲۹، ص ۳.

^۴ همان، ش ۳۰، ص ۵-۶.

^۵ پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، ج ۴، ص ۱۰۶-۱۰۷.

^۶ نک: آرمان ملت، ش ۲۷، ص ۲.

^۷ همان، ش ۲۷، ص ۱-۲.

نکنید که ایران در جنگ با دشمن است.^۱ با حمله به خرمشهر توسط نیروهای عراقی، حزب ملت ایران در ارگان رسمی خود، این موضع را برای تحریک مردم ایران نسبت به دفاع از خاک وطن، مورد انعکاس کامل قرار داد و آورد: «حماسه خرمشهر، چگونه می‌توان چنین دلاورانی را نستود. به پاس هر وجب خاک ایران، جان‌ها فدا شده است» و در ادامه، به موضع وطن‌گرایی و حُبّ وطن در وجود هر انسان پرداخت: «دوست داشتن میهن جزو سرنوشت هر انسان است.»^۲

فروهر و یارانش که از اوایل سال ۱۳۵۹، با طیف اسلام‌گرایان، بیشتر فاصله می‌گرفتند، علی‌رغم آن‌که با شروع جنگ، سعی نمودند بر شدت انتقادات خود (به‌منظور حفظ وحدت ملی در مقابل یک دشمن خارجی) نیفزایند،^۳ با این حال، به تدریج شروع به ابراز صریح نظرات مخالف خود علیه حاکمیت حاکمیت وقت نمودند.^۴ چنان‌که در ارگان حزب خود با عنوان: «اسلام انقلابی، نیرو بخش جنگ میهنی»، نظر نامساعد حزب حاکم را در مورد ملی‌گرایی، مورد انتقاد شدید قرار داده و به نقش حُبّ وطن در دفاع مردم ایران از کشور خود، در برابر عراق اشاره کرد و نوشت: «آن نوجوان دوازده ساله که نارنجک به کمر می‌بندد و حماسه می‌آفریند، میهنش را دوست دارد.»^۵ همچنین در موضع‌گیری دیگری، دولتمردان ایران را به دلیل آن‌چه که إهمال در دفاع از وطن در برابر دشمن بیگانه نامید، مورد سرزنش قرار دادند^۶ و در همان مقطع زمانی، دامنه انتقادات خود را علیه حزب حاکم، به مسائل مسائل غیر جنگی، و حتی فرهنگی و قضائی نیز گسترش دادند.^۷ با نزدیکی روز افزون حزب ملت ایران به طیف مخالفان حزب حاکم، این گروه سیاسی نیز با واکنش طیف اسلام‌گرا نسبت به خود مواجه شد.^۸ بعد از حدود دو ماه از شروع جنگ، سران حزب ملت، در اظهارنظری دیگر: «دشمن را امان ندهید، نگذارید جنگ فرسایشی شود»، از دولتمردان ایران خواست سیاست تدافعی را در نبرد نظامی با عراق کنار گذاشته و رویکرد تهاجمی در پیش گیرند تا هرچه زودتر، دشمن را از پای درآورند. از نظر آنان طولانی شدن جنگ، صدمات شدیدی بر ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران وارد

^۱ همان، ش ۲۷، ص ۱ و ۷.

^۲ همان، ش ۲۸، ص ۱ و ۶.

^۳ نک: *ایران مهر*، شماره های ۱۸-۱۹، ص ۹۱.

^۴ نک: همان، ص ۹۱-۹۲ / *آرمان ملت*، شماره های ۲۹-۵۴.

^۵ *آرمان ملت*، ش ۳۱، ص ۵.

^۶ همان، ش ۳۱، ص ۱ و ۲.

^۷ نک: همان، شماره های ۳۱ و ۳۲.

^۸ نک: *دادگستری جمهوری اسلامی ایران*، ص ۱۶۲.

می‌کرد^۱ و در همین زمان بود که داریوش فروهر و برخی سران دیگر حزب مذکور، به‌طور متناوب به مناطق جنگی رفته، و در پایگاه حزب دموکرات کردستان عراق، به تبادل نظر با سران حزب اخیر پرداختند و زمینه‌های لازم را برای ادامه همکاری فراهم نمودند.^۲ اعضای اعزامی حزب ملت ایران به جبهه جنگ باعراق، در ماه‌های آذر - بهمن ۱۳۵۹، دموکرات‌های کُرد را در حملات چریکی به نیروهای بعثی در شمال شرق عراق که همراه با صدمات شدید به نیروهای عراق بود، یاری نمودند.^۳ نمودند.^۴ حزب، تاکید شدیدی بر توجه به هموطنان ایرانی، که در نتیجه جنگ، آواره و بی‌خانمان شدند، داشت و لزوم کمک دولت برای تسکین دردهای آنان را گوشزد نمود.^۴ حزب، همچنین در واکنش به اقدامات دولتمردان نسبت به کُردهای کردستان، شدیداً انتقاد نموده و آن را موجب تحریک و در نتیجه، طغیان کُردها دانست و اینکه این مسئله (در شرایطی که نیاز مبرمی به بسیج همه نیروهای نظامی علیه دشمن بود)، موجب درگیری دو لشکر ارتشی ۶۴ ارومیه و ۲۸ سنندج و بخشی از نیروهای سپاه با آن اختلالات می‌شد؛^۵ چنان‌که بنابر گزارش دیلی تلگراف در مورد کُردهای ایران، ایران، «شیخ عزالدین حسینی رهبر معنوی کُردهای ایران، ادعا کرد که چریک‌های کُرد معروف به پیش‌مرگان، نیروهای دولتی را از مهاباد به بیرون رانده‌اند.»^۶

در اوایل بهمن ۱۳۵۹ دیپلمات‌های امریکایی دستگیر شده (در حادثه تسخیر سفارت امریکا در تهران)، توسط دولت‌مردان ایران آزاد شدند که همین مسئله، زمینه لازم را برای حمله لفظی دیگر حزب ملت ایران علیه دولت وقت فراهم نمود، به‌طوری‌که داریوش فروهر، در روزنامه *آرمان ملت*، شدیداً به این امر اعتراض کرد: «دولت در این زمینه، هیچ پیروزی برای ایران به همراه نیاورد و موجب سرافکنندگی شد»^۷ و از طرف دیگر، حاکمان وقت ایران را به قصور در دفاع از وطن متهم نموده و نگرانی شدید خود را از فرسایشی شدن جنگ اعلام می‌دارد: «جنگ همه هستی ملی را به کام خود می‌کشد و سرنوشت فرزندان این سرزمین را رقم می‌زند.»^۸ حزب مذکور، از همین دوره

^۱ *آرمان ملت*، ش ۳۲، ص ۲-۱.

^۲ نک: همان، ش ۳۲، ص ۷.

^۳ نک: همان، شماره‌های ۳۲-۴۰.

^۴ همان، ش ۳۹، ص ۷۱.

^۵ همان، ش ۳۹، ص ۵.

^۶ پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، ج ۵، ص ۳۳۹.

^۷ *آرمان ملت*، ش ۴۲، ص ۷۶-۷.

^۸ همان، ش ۴۲، ص ۲.

زمانی، خود را بیش از پیش با مخالفان حزب جمهوری اسلامی نزدیک نمود، گروه‌هایی که تحت رهبری رئیس جمهور، درصدد ایجاد یک گروه وحدت بزرگ ملی بودند.^۱ بنابر گزارش دیلی تلگراف، امام خمینی با اظهار: «آنان مانند عقرب و مار یکدیگر را نیش می‌زنند»، کشمکش‌های سیاسی داخلی را تقبیح نمود و خواستار وحدت میان همه گروه‌ها برای مقابله با بیگانگان شد.^۲ این حزب همانند دیگر گروه‌های سیاسی، در تجمعی که به مناسبت سالگرد وفات محمدمصدق، در ۱۴ اسفند ۵۹ برگزار شد، حضور داشت. مراسمی که با سخنرانی بنی صدر همراه بود و حتی به درگیری میان مخالفان و حامیان حزب جمهوری اسلامی نیز منجر شد.^۳ همچنین، یکی از یاران نزدیک فروهر (منوچهر مسعودی) در حزب ملت ایران، بعد از دستیابی بنی صدر به ریاست جمهوری، در زمره نزدیکان او قرار گرفت و در گروه دفتر هماهنگی رئیس جمهور، دارای نفوذ زیادی شد و فعالیت زیادی در راستای نزدیکی مخالفین حزب حاکم به یکدیگر داشت و بعدها (با فرار بنی صدر از ایران) نیز دستگیر و اعدام شد.^۴

در نیمه دوم اسفند ۱۳۵۹، مقامات عالی‌رتبه برخی از کشورهای مسلمان، از سوی کنفرانس اسلامی، وارد ایران و عراق شده و درصدد برقراری صلح میان طرفین برآمدند، در همین ارتباط بود که بلافاصله حزب ملت ایران، اعلام نمود: «سازش موقوف!! بر شرف ملی خط بطلان نکشید» و سران این حزب معتقد بودند در حالی که برخی از مناطق ایران در اشغال دشمن است و یک میلیون و نیم ایرانی، آواره هستند: «گفتگو درباره پایان دادن به جنگ در وضع کنونی برای دولت‌مردان ایران، یک تلاش سیاسی نیست بلکه طشتی از تعفن و لجن است» و بر این تمایل خود، پافشاری کرد: «دشمنی که به قهر بر ایران زمین تاخته است، باید با قدرت سرکوب شود، همین و همین و هیچ گفتگو هم ندارد.»^۵ از سوی دیگر و در همان مقطع زمانی، اولاف پالمه به‌عنوان نماینده ویژه سازمان ملل، به منظور مذاکرات صلح، برای سومین بار وارد ایران شد، و حزب مذکور، در این مورد نیز رویکرد صریح خود را مبنی بر مخالفت با هرگونه مذاکره با عراق بیان نمود: «نشانه‌های سازش‌کاری، چاهی که امپریالیست‌ها کنده‌اند...»^۶ رهبر حزب ملت ایران، با اصرار خاصی، به

^۱ نک: دادگستری جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۰۱-۱۰۲ و صفحات دیگر.

^۲ پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، ج ۵، ص ۳۳۷.

^۳ دادگستری جمهوری اسلامی ایران، ص ۴۴۱-۴۴۲.

^۴ نک: همان، ص ۱۱۶-۱۱۸ و ۱۴۲.

^۵ آرمان ملت، ش ۴۶، ص ۲-۱.

^۶ همان‌جا.

دولت مردان وقت ایران، هشدار می‌دهد که سازش را تا سرنگونی صدام حسین و رژیم بعث او، فراموش نمایند: «ایران راهی جز ادامه نبرد میهنی با همه توان و رسیدن به پیروزی قطعی که تا راندن دشمن و واژگون کردن حکومت نژادگرای بعث عراق است ندارد.»^۱

از اواخر اسفند ۵۹، شدت مخالفت حزب ملت ایران با حزب حاکم، به اوج خود رسید و در کنار مخالفان و در برابر طیف اسلام‌گرا قرار گرفت.^۲ دقیقاً مقارن با زمانی که اختلافات میان طیف اسلام‌گرا با مخالفان (که در کنار رئیس‌جمهور و علیه اسلام‌گرایان موضع گرفته بودند)، کاملاً تشدید یافته، و کشور، مواجه با نوعی بحران سیاسی و اختلالات اجتماعی شد.^۳ در اوایل اردیبهشت ۱۳۶۰ و در حالی که بیش از هفت ماه از شروع جنگ ایران - عراق سپری شده بود، حزب ملت ایران، باز هم به عدم نارضایتی از فرسایشی شدن جنگ، حضور نیروهای دشمن در خاک ایران و تبعات بسیار بد آن، در همه زمینه‌ها برای ایران پرداخت: «تا کی ویرانی و کشتار؟ دشمن را از ایران زمین برانید!!» و حاکمان وقت کشور را در این مسئله، مقصر اصلی قلمداد نمود.^۴ پیروزی نیروهای ایرانی علیه دشمن در جبهه‌های جنگ، که در نیمه دوم بهار سال ۱۳۶۰ روی داد، تحسین فراوان حزب ملت ایران را نسبت به نیروهای هموطن خود برانگیخت و موجب انعکاس فراوان اخبار این موفقیت‌های نظامی در ارگان این حزب شد،^۵ به طوری که در اواسط خرداد ۱۳۶۰، این اقدام را تحسین تحسین نمود: «حزب ملت ایران همواره اعتقاد داشته که عراق استعمار ساخته، کوچکتر و زبونتر از آنست تا بر ایران انقلابی هجوم آورد.»^۶

بعد از وقایع خرداد ۱۳۶۰ که موضع‌گیری مخالفان حزب جمهوری اسلامی علیه آن، با واکنش حاکمیت وقت و در نتیجه، فرونشاندن مخالفان همراه بود،^۷ حزب ملت ایران هم در وضعیت نامطلوبی قرار گرفت، تا آنجا که حتی رهبر آن نیز روانه زندان شد.^۸ تا آن که بعد از تقریباً پانزده ماه

^۱ همان، ص ۷.

^۲ نک: همان، شماره های ۴۸-۵۴.

^۳ نک: روزنامه‌های کیهان و اطلاعات، شماره های بهار ۱۳۶۰.

^۴ آرمان ملت، ش ۵۱، ص ۲-۱.

^۵ نک: همان، شماره های ۵۲-۵۴.

^۶ همان، ش ۵۴، ص ۱.

^۷ نک: کیهان و اطلاعات، شماره های تابستان ۱۳۶۰ / یاسر هاشمی، کارنامه و خاطرات هاشمی (سال ۱۳۶۰)، تهران: دفتر معارف

انقلاب، ۱۳۸۶.

^۸ ایران مهر، شماره های ۱۸-۱۹، ص ۹۰.

حبس، در آذر ۱۳۶۱ش از زندان آزاد گردید.^۱ حزب مذکور، از این تاریخ به بعد کاملاً در انزوا قرار گرفت و به دلیل شرایط موجود در ایران، نمی‌توانست تحرک سیاسی برجسته‌ای از خود نشان دهد. بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از سوی ایران و عراق، مبنی بر صلح میان طرفین، سران حزب ملت ایران به این موضوع با رویکردی مثبت نگاه نمودند، بلکه بر این موضع اصرار داشتند که عراق به‌عنوان کشور متجاوز، می‌بایست مجازات می‌شد و تمامی افرادی که در راه وطن شهید، مجروح و یا سالم به زادگاه خود بازگشتند، مورد احترام و شایسته تجلیل هستند.^۲

نتیجه‌گیری

در مجموع، میتوان اینطور عنوان نمود که حزب ملت ایران، در طی دوره زمانی مورد بحث، موضع گیری‌ها و اقدامات سیاسی خود را نه فقط بر بنیاد ملی‌گرایی قرار داد، بلکه رویکرد مبارزاتی تندروانه، کاملاً بطور موازی و لاینفک، همراه با ملی‌گرایی، در مواضع سران حزب مذکور، اهمیت داشت. انشعاب حزب ملت از همتایان سلطنت طلب خود در حزب پان ایرانیست، اختلاف فروهر و یارانش با اکثریت گروه‌های تشکیل دهنده جبهه ملی دوم (حزب ایران، حزب مردم ایران، سوسیالیست‌های نهضت ملی) را میتوان در توجه ویژه رهبران حزب ملت ایران بر مشی سیاسی رادیکال جستجو نمود، همانطور که منشا همسویی نسبی حزب مذکور با روحانیون انقلابی را هم باید در این زمینه دانست. این همسویی، در ماه‌های نخستین انقلاب هم (در قالب عدم چالش با حزب جمهوری اسلامی) تداوم و برجستگی خاصی داشت، تا آنجا که از آن، میتوان بعنوان یکی از عوامل اصلی انشعاب حزب ملت ایران از جبهه ملی چهارم نام برد. اما بتدریج، هنگامیکه رهبران حزب ملت، احساس نمودند، حزب حاکم جمهوری اسلامی، به یکی از دو اصول بنیادی آنان (ملی‌گرایی) توجه چندانی نمی‌نماید، علیه آن موضع گیری کردند، با اینحال، این موضوع یعنی مخالفت با صاحبان قدرت در ایران، مانع از اقدامات آنان در دفاع از وطن نگردید، بلکه حتی بدلیل مشی تندروانه خود، برخلاف همقطاران‌شان در طیف ملی‌گرایی (یعنی جبهه ملی و نهضت آزادی)، با حزب جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ حتی بعد از فتح خرمشهر همسو بودند.

^۱ فاطمه هاشمی، کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی (۱۳۶۱)، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰، ص ۳۳۲.

^۲ عباس شادلو، احزاب و جناح‌های سیاسی ایران امروز، تهران: نشر گستره، ۱۳۷۹، ص ۴۹۳.

کتاب‌نامه

- آبراهامیان، پرواند. *ایران بین دو انقلاب*. مترجمان گل محمدی و فتاحی. تهران: نشرنی، ۱۳۸۷.
- آذرنگ، عبدالحسین. «جبهه ملی ایران» دو ماهنامه بخارا. شماره ۴۴، ۱۳۸۴ش
- اسناد لانه جاسوسی. جلد نهم و دهم. تهران: موسس مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۷.
- بختیاری، شهلا. *حزب پان‌ایرانیست به روایت اسناد*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵
- بشیری، عباس. *کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی (۱۳۵۷-۵۸)*. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.
- بهنود، مسعود. ۲۷۵ *روزبازرگان*. تهران: نشر علم، ۱۳۸۷.
- پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس. *جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان*. جلد‌های ۱-۶. تهران: شکیب، ۱۳۸۸.
- پورداراب، سعید. *تقویم تاریخ دفاع مقدس*. ج ۱۰. تهران: اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
- جاسبی، عبدالله. *روزشمار تفصیلی جمهوری اسلامی ایران*. ج ۲. تهران: دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب، ۱۳۸۷.
- حزب ملت ایران بر بنیاد پان‌ایرانیسم. *پان‌ایرانیسم چه می‌گوید*. بی جا: انتشارات حزب ملت ایران، بی تا
- درودیان، محمد. *اجتناب ناپذیری جنگ*. تهران: مرکز مطالعات سپاه، ۱۳۸۲.
- راهور، کریم. احزاب، تشکل‌ها و جناح‌های سیاسی ایران امروز. تهران: انتشارات سیاست، ۱۳۸۲
- رمزجو، علی اکبر. *حزب پان‌ایرانیست*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸
- روزنامه آرمان*. ملت (ارگان حزب ملت ایران). شماره های ۱-۵۴، فروردین ۱۳۵۹-۱۳۶۰ خرداد ۱۳۶۰ش.
- روزنامه اطلاعات*. ش ۱۵۸۸۲ (۲۸ خرداد ۱۳۵۸) و شماره های متعدد، بهار و تابستان ۱۳۶۰.
- روزنامه کیهان*. شماره های متعدد، بهار و تابستان ۱۳۶۰.
- زعیم، کوروش. *جبهه ملی ایران (از پیدایش تا کودتا)*. تهران: انتشارات ایران مهر، ۱۳۷۹.
- سیف، خسرو. «دربار زنده یادان پروانه و داریوش فروهر» ماهنامه ایران مهر. ش ۱۸-۱۹، آبان و آذر ۱۳۸۴.
- شادلو، عباس. *احزاب و جناح‌های سیاسی ایران امروز*. تهران: نشر گستره، ۱۳۷۹.
- _____ . *انقلاب اسلامی از پیروزی تا تحکیم*. تهران: نشر گستره، ۱۳۸۵.
- شاهدی، مظفر. *حزب پان‌ایرانیست*. تهران: موسس مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۹.
- طالع، هوشنگ. *تاریخچه مکتب پان‌ایرانیسم*. لنگرود: سمرقند، ۱۳۸۱.
- غائله ۱۴ اسفند ۱۳۵۹، ظهور و سقوط ضد انقلاب. تهران: دادگستری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴
- فوزی، یحیی. *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی ایران*. ج ۱. تهران: نشر عروج، ۱۳۸۷